

دیار خوابگردی منتشر شد

ادبیات آفریقا؛ دریچه‌ای نو به جهان پر رمز و راز



افسانه فرقدانی

ادبیات آفریقا با داشتن مفاهیمی منحصر به فرد در زندگی بومیان آفریقا که آنان را همچنان از دست‌مالی‌های زندگی شهری و ماشینی دور نگه داشته است، جهان متفاوتی را به تصویر می‌کشد. جهانی که در آن آیین‌ها گاه با خشونت همراه است یا حیوانات وحشی و درختان و جنگل و به‌طور کلی عناصر طبیعی در آن نقش اساسی و گاه نقش اول را بازی می‌کنند. مردمانی که اگر چه قانون تدوین شده‌ای ندارند، اما بر قوانین نا نوشته‌ای چنان پایبندند که در قرن بیست و یکم نیز همچنان می‌توان نشانه‌های قوی و روشنی از ابتدای زندگی انسان را در آن یافت. اگر چه جنگ‌های داخلی، استعمار طولانی دول اروپایی، قحطی، به بردگی گرفته شدن، تبعیض نژادی، غارت ثروت بی‌شمار قاره سیاه، عدم رشد آگاهی و سواد موجب شده تا جامه‌های بکر در فرهنگ بومی آفریقا در حاشیه بماند و رشد ادبیات در این قاره تا تأخیر بیفتد.

یادداشت

«کمون مردگان یا مرثیه‌ای برای پیر آهن خونی سوفیا» منتشر شد

مرثیه‌ای برای اسرار

آبان مصدق

«کمون مردگان» رمانی تاریخی است که قصد دارد از بخشی از تاریخی رمزگشایی کند که نه تنها حوادثش، بلکه شخصیت‌ها و مکان‌ها نیز همچنان در حاله‌ای از ابهام مانده است و دست‌رسی به هر هر کدام از این‌ها به‌سزای خواننده ایرانی، بلکه برای محققان و نویسندگان نیز جذاب است. «کمون مردگان یا مرثیه‌ای برای پیر آهن خونی سوفیا» اگر چه زبان رمان فارسی است در خلال آن خواننده با بخش‌هایی مواجه می‌شود که به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، روسی و آلمانی نوشته شده است. رمان در سه زمان متفاوت و در بسترهای تاریخی متفاوت روایت می‌شود؛ روایت‌هایی که در یک نقطه مشترک به هم می‌رسند؛ روایت‌هایی که در اتوبیوگرافی و با روای اول شخص روایت می‌شود؛ روایت دوم، روایتی تاریخی از قلعه الموت حسن صباح است. طبق اطلاعات تاریخی در کتاب، پس از اینکه حسن صباح حکومت اسماعیلیه را

مردمان سیاه از پس جنگ‌های بی در پی و استعمار دیرین، هرگز فرصت نیافته‌اند تا استعداد و البته جهان شگفت خود را به دیگر مردمان جهان معرفی کنند. اما تلفیق نژادی و تبدیل شدن قاره سیاه به وطن فرزندان استعمارگران، دریچه‌های نوبی به ادبیات قاره آفریقا باز کرده است

برهه‌ای از آشوب سالیان طولانی و گویا بی‌پایان جنگ داخلی در موزامبیک می‌پردازد. جنگی که در آن معنای وطن و شهروندی از دست رفته است. جنگی که ریشه‌های انسانی را از گذشته گسسته است و گویا انسان‌هایی در فراموشی گذشته و هویت، راهی ندارند جز آنکه بدون ریشه‌هایی که آنها را با خود نگه دارد، پیوسته در حرکت باشند. جنگی که نه تنها ریشه‌ها و گذشته مردمان را بلکه، نام و زبان و شیوه حرف زدن و تمدن و آداب و آیین‌های مردمان را به دیار فراموشی سپرده است. اگر در آغاز این گونه می‌نماید که قهرمانان داستان در پی یافتن خوراکی و سرپناهند، اما یافتن ریشه‌ها برای آن ضروری می‌نماید.

دیار خوابگردی قصه سرزمینی پر آشوب است که فضایی آخرالزمانی آن را به رئالیسم جادویی بدل کرده است. دیار خوابگردی قصه سفر است؛ آدم‌هایی که از میان صحنه‌های هولناک اما واقعی که نویسنده توانسته در عین خونسردی تصویر دقیق و بی‌نقصی از آن‌ها به خواننده ارائه دهد، سر بر آورده است. تصویری که خواننده بی‌هیچ مقاومتی می‌تواند منطقی و واقعی بودن آن‌ها را در یابد، چرا که این جاذبه‌ها در قاره‌های که زندگی مردمان همچنان

پیوندی ناگسستنی با تاریخ اساطیری و جادویی دارد و عناصر زیست‌انسان‌ها را باور‌هایی تشکیل می‌دهد که با زندگی امروز انسان مدرن شهری در قاره‌های دیگر فاصله زیادی گرفته است. اما میاکوتو به همین نیز بسنده نکرده است؛ او مفاهیم اسطوره‌ای یونان باستان را دستمایه پیرنگ اصلی داستانش قرار می‌دهد؛ سفر پر حادثه اولیس به عنوان قهرمان در ژانر حماسه گویا در حافظه تاریخی شخصیت‌های قصه میاکوتو جا خوش کرده‌اند و شاید دغدغه نویسنده است که به آن وفادار مانده است؛ سفری برای پیروزی در مبارزه، سفری که از خان‌های متعدد عبور می‌کند، سفری که با عشق ملاقات می‌کند و در نهایت هدف، بازگشت قهرمان به خانه است.

سرزمین انسان‌های بی‌سرزمین
دیار خوابگردی سرزمین انسان‌های بی‌سرزمین است؛ مردمانی که هویت خود را در میانه جنگ و آشوب گم کرده‌اند و اکنون حتی از لابه‌لای خاطرات دیگری، در عشق دیگری، دریا، در دوستی با انسانی از یک نژاد و زبان و ملیت متفاوت آن را جست‌وجو می‌کنند. مردمانی که بنا دارند از میان عدد و شماره شدن به‌عنوان مردگان و قربانیان جنگ سر بر آورند و خود را باز یابند و موطنی را بیابند که در آن آرام بگیرند، حتی اگر این وطن اقیانوس و دریاها دور باشد. طینی در میانه آب‌های بی‌سرزمینی که چتر شهروندی از روی سراسر آن‌ها بر داشته شده است و جنگ به روزمره‌ای در زندگی شان بدل شده که دیگر دلیل اصلی رخداد آن به فراموشی سپرده شده است. مردمانی که از خانه‌هایشان تاراج شده‌اند و باید به سویی بروند و آن‌ها را یافتن معنای زندگی است. اما این حرکت به سوی خویش‌گام چنان هولناک می‌نماید که

گویا مرز خیال و واقعیت دور دیده می‌شود تا قهرمان در سفر بتوانند رویاها و پنهان را در همین مرز بیابند. در نگاه نخست قهرمانان در حال سفر داستان،



کودک و پیرمردی هستند که به‌نظر می‌رسد به سوی هدفی نامعلوم در سفراند، اما واکاوی دست‌نوشته‌های مردی مرده، سفری دیگر را پیش‌روی خواننده قرار می‌دهد و خاطر مکتوب او نیز سفرهای دیگری را روایت می‌کند. روایت‌هایی که تنها امید کودک داستان برای یافتن گذشته، خانواده و هویتش است. این هانمانی‌مردمی هستند که گویا در هیچ‌جا جهان ریشه‌نندوانده‌اند، زیرا فرصت زندگی از آن‌ها گرفته شده است. مردمی بی‌سرزمین که گویا جبر آنها را به سفر کردن واداشته است. اما میاکوتو با خلق شخصیتی هندی‌تبار در قلب آفریقا، از فضاهای جادویی و پر رمز و راز مردمان هندوستان نیز سود جست است. این نویسنده پر تعالی‌زبان عشق را عنصر نجات‌دهنده شخصیت‌هایش قرار می‌دهد تا به انسان مدرن عصر تکنولوژی یادآور شود که تنها و تنها عشق است که می‌تواند انسان را در جایی پاگیر کند و او را به آرامش برساند. دیار خوابگردی داستان امید است که به واسطه آن قهرمانان سفرشان را به سوی هدف و باز یافتن خویش ادامه می‌دهند. امید در میان جنگ، در میانه قحطی، جنون و بی‌رحمی و در نهایت امید در میانه ناامیدی.

کوتاه در باره میاکوتو

میاکوتو خود یک سفیدپوست است، اما آگاهانه اشاره چندانی به رنگ پوست قهرمانانش نمی‌کند تا بتواند قهش را برای رنگ پوستی و نژاد انسانی روایت کند. او آگاهانه پیوندی بین مردمانی با زبان و فرهنگ متفاوت برقرار می‌کند و وطن آن‌ها را یگانگی می‌داند. میاکوتو از دوره‌های هولناک در سرزمین‌اش برای گفتن قصه مردمانی سود جست است که تنها خود دچار فراموشی شده‌اند، بلکه دیگر مردمان جهان نیز آنان را فراموش کرده‌اند. دیار خوابگردی برای نخستین بار خواننده ایرانی را با جهان بیینی و زبان و نثر نویسنده‌ای بسزگ و تأثیرگذار آشنا می‌کند. نثر میاکوتو شورانگیز و گاه شاعرانه و وام‌گرفته از اساطیر است. میاکوتو جهان وطنی می‌اندیشد و این روی اصراری به تعریف قصه مردمانی خاص و ساخت شخصیت‌هایی از یک بخش مشخص از زمین ندارد. در واقع او مردمان جهان را متعلق به سرزمینی یگانه می‌داند. آنتونیو امیلیولیته کو، تو،

دیار خوابگردی سرزمین انسان‌های بی‌سرزمین است؛ مردمانی که هویت خود را در میانه جنگ و آشوب گم کرده‌اند و اکنون حتی از لابه‌لای خاطرات دیگری، در عشق دیگری، در دریا، در دوستی با انسانی از یک نژاد و زبان و ملیت متفاوت آن را جست‌وجوی کنند

مشهور به میاکوتو در ژوئیه ۱۹۵۵ به دنیا آمد. او از نویسندگان سفیدپوست موزامبیک است. میاکوتو تاکنون جایزه کاموس، یعنی مهم‌ترین جایزه ادبی پر تعالی و جایزه نیواشتانت انتر ناسیونال برای ادبیات را در ۲۰۱۴ دریافت کرده است. او پسر یک مهاجر پر تعالی است که در دهه ۱۹۵۰ به این مستعمره پر تعالی کوچ کرده است. میاکوتو در رشته پزشکی تحصیل کرده و به جنبش ضد استعماری چریکی و سیاسی فرامی‌مورد برای براندازی حکومت استعماری پر تعالی پیوست. او سپس به روزنامه‌نگاری پرداخت و مدیریت آن‌ساز خبری تازه تاسیس موزامبیک را به عهده گرفت. همچنین تا سال ۱۹۸۱ سردبیری مجله تمپورا بر عهده داشت. نخستین کتاب شعرش را در سال ۱۹۸۰ منتشر کرد و سپس در رشته زیست‌شناسی تحصیل کرد.

او یکی از مهم‌ترین نویسندگان موزامبیک است که کتاب‌هایش به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، چینی و اکنون به زبان فارسی ترجمه شده است. دیار خوابگردی در نمایشگاه بین‌المللی یکی از دوازده کتاب برتر آفریقا در قرن بیستم خوانده شده است. همچنین میاکوتو در سال ۲۰۰۷ نخستین نویسنده آفریقایی بود که جایزه معتبر ادبی اتحاد لاتین را دریافت کرد. دیگر آثار میاکوتو عبارتند از: صداهای شب را ساختند، هر مردیک نژاد است، زیر درختچه یاسمن، آخرین پرواز فلامینگو، اعتراف ماده شیر و زن خاکسترت هادیار خوابگردی نخستین کتاب میاکوتو است که در ایران با ترجمه مهدی غبرایی و در نشر افق منتشر شده است.

معرفی کتاب

«رابطه ننگین» منتشر شد نگاهی دوباره به دو متفکر بزرگ قرن بیستم



«رابطه ننگین (ژان پل سارتر، سیمون دوبور و بیانکا لمبلین و دو مقاله دیگر)» نوشته بیانکا لمبلین با ترجمه احسان شاه‌قاسمی در نشر لوگوس منتشر شد.

بیانکایکی از قربانیان روابط سه‌نفره سارتر و دوبور است. روایت سوءاستفاده جنسی سارتر از او تکان‌دهنده است.

احسان شاه‌قاسمی بیشتر کتاب «فیلسوفان بد کردار» را ترجمه کرده که فصلی از آن به روابط جنسی ژان پل سارتر اختصاص دارد.

«رابطه ننگین» روایتی تکان‌دهنده از یکی از قربانیان روابط سه‌نفره سارتر و دوبور است. بیانکا لمبلین راوی و نویسنده این کتاب، دختری ۱۷ ساله است که در ابتدا دوبور او را می‌فرید و سپس در اختیار سارتر قرار می‌دهد. البته بیانکا تنها دختری نیست که به این رابطه کشانده می‌شود، اما گویا او تنها کسی است که پس از ۵۰ سال تصمیم می‌گیرد مهر سکوت را بشکند و اگر چه بت سارتر و دوبور بسیار عظیم‌الجثه است. اما آن را بشکند و پرده‌ها از حقیقت زندگی شخصی آنها بردارد. بیانکا در این کتاب به شرح دقیق و جزئیات روابط جنسی خود با این دو متفکر بزرگ قرن بیستم فرانسه پرداخته است. نکته قابل تأمل این که او می‌گوید که پیش از ورود به رابطه سارتر و دوبور، دوبور مدت‌ها از او سوءاستفاده جنسی می‌کرده است. از آنجایی توان دریافت که او تنها قربانی این رابطه نبوده که وقتی در بهار ۱۹۳۹ سارتر او را به هتلی می‌برد، با خوشحالی و پرویی به او گفته: «استخدمه هتل خیلی غافلگیر می‌شوند، چون من همین دیروز مهر دختری را در آنجا برداشتم.»

بیانکا که اکنون یک نویسنده مطرح است، معتقد بود که سارتر در روان‌نژندی بوده که این را در روابط خصوصی‌اش بروز می‌داده است. اگر چه ژان پل سارتر در نظر به پرده‌ها از بی‌بسیاری‌ها است و نویسنده بزرگ قرن بیستم و همراه سیمون دوبور که مانیفست فمینیستی از آن اوست و شرح زندگی عاشقانه این عالم را پر کرده تا جایی که کنار یکدیگر دفن شده‌اند، اما شاید ضروری باشد که این دو متفکر را از نو واکاوی و نتایج دقیق‌تری دریافت کنیم.

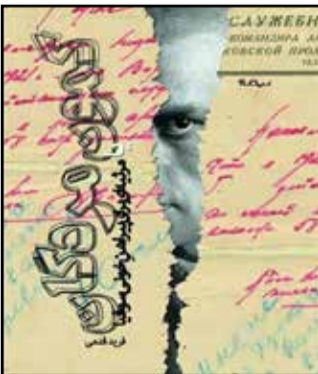
انتشار کتاب «آزادی و خیانت به آزادی: شش دشمن آزادی بشر»

نگاهی متفاوت به مفهوم آزادی



کتاب «آزادی و خیانت به آزادی: شش دشمن آزادی بشر» اثر آیزابا برلیسن با ترجمه عزت‌الله فولادوند در نشر ماهی منتشر شده است. به گزارش

خبرگزاری دانشجو، آیزابا برلین در این کتاب به بررسی نظام‌فکری ۶ متفکری پرداخته است که همه با زبان امروزی ماسخن می‌گویند و گویی روزگار ما را مخاطب قرار می‌دهند. آنان با این زبان و بیان نه تنها مردان بلکه مخالفان خود را نیز به کمند کشیده‌اند و به ویژه از این حیث در خور دقت و تحقیق اند که سراسر دیدمار نسبت به زندگی دگرگون ساخته‌اند. کلود آدرین هلوئیس، ژان ژاک روسو، یوهان گوتلیب فیشته، گئورگ ویلهلم فریدریش هگل، کلودهارتی سن‌سیمون و ژوزف دومستر، متفکرانی هستند که برلین در این کتاب به آنها پرداخته است. جملگی آنها اندکی قبل و کمی بعد از انقلاب کبیر فرانسه، شخصیت‌های نام‌آور و شاخص بوده‌اند. پرسش‌های موضوع بحث آنان از پرسش‌های همیشگی فلسفه سیاسی بود و تا جایی که فلسفه سیاسی شاخه‌ای از اخلاق محسوب می‌شود، همچنین از مسائل فلسفه اخلاق به‌شمار می‌رفت. به‌باور برلین همگی پرسش‌های مطرح شده در حوزه‌های فلسفه سیاسی را می‌توان در این پرسش خلاصه کرد که «چرا باید فرد از افراد دیگر اطاعت کند؟» یا اینکه «چرا باید هر فرد به تنهایی از سایر افراد یا گروه‌ها یا هیات‌هایی از دیگر افراد اطاعت کند؟» برلین در این کتاب بحث کرده که متفکر مورد بحث در زمان‌هایی به‌سیار دور از یکدیگر درباره این پرسش‌ها بحث می‌کردند.



بگیرد و تنبانش را روی آن آویزان کند. «آدم عجیبی است این مایاکوفسکی. با شاعران دیگر کمونیست فرق دارد. همه‌ی روز را به تصویر تنبانش زنده‌ای آویزان از سیبیل استالین فکر کردم. آدم نمی‌تواند بفهمد این مایاکوفسکی کی شوخی می‌کند و کی جدی است. واقعا با قیافه استالین قرار داشت؛ به‌ر حال، ولودیا آدمی است که همیشه می‌شود به‌او اعتماد کرد. همین کافی است.» رمان «کمون مردگان یا مرثیه‌ای برای پیر آهن خونی سوفیا»، آخرین اثر فریدقلمی در نشر نیماژ منتشر شد.

جوان را دیدند که موهای سیاه پر پشت‌اش در باد کوهستان تاب می‌خورد و گاه از دور نمی‌شد میان ردای بلند و گیسوان بلندش افتراق قائل شد. چنان آراسته بود که گویی به میهمانی مجلی می‌رفت و چنان استوار قدم بر می‌داشت که تو گویی به میدان نبرد می‌رود و چنان غرق اندیشه بود که گویا عزم مدرسه داشت تا درسی نوبگوید.»

از دفتر چه خاطرات

همسر میخائیل بولگاکف:

«از جلوی کتابخانه‌ی لنین که می‌گذشتم مایاکوفسکی را دیدم که خیلی به ظاهرش رسیده بود و با کلاه و بارانی و صفا کتار مجسمه‌ی داستایوفسکی ایستاده بود که چیزی توی دفتر چهاش نویسد. متوجه من نشده بود. بی مقدمه به‌او گفتم: «ولودیا، داستایوفسکی به‌تو تقلب رسانده؟» خندید و گفت: «آخ، نه فهمیده دارم به دیدار رئیس می‌روم گفت پیام او را هم به عموسیبیلومان برسانم. دارم یادداشت‌اش می‌کنم که یادم نرود.» گفتم: «واقعا داری به دیدار رفیق استالین می‌روی؟» گفت: «قرار بود او باید خانه‌ی من، اما من به‌او گفتم ممکن است سیبیل‌اش توی اتاق کوچک من جا نشود و از پنجره بزند بیرون، آن وقت زن همسایه آن را با طناب رخت‌آشفتابه

حسن صباح، حسن علی، راشدالدین سنان و غیره. نویسنده باطنی ظریف، نگرشی انتقادی دارد و در بخشی از رمان که به زبان انگلیسی و به شکل رشت‌های از توییت‌ها نوشته شده، دونالد ترامپ، ماکرون، رئیس‌جمهور بلغارستان، محمدجواد ظریف و کیم جونگ اون را دست می‌انازد. فرید قدیمی از تجربه‌های زیستی متفاوتش در نوشتن سود می‌جوید و البته از آنجایی که مترجم نیز هست، تحت تأثیر رمان‌های غربی مدرن پیرنگ داستان‌هایش را می‌ریزد. از این روی می‌توان نگاه و جهان بیینی متفاوتی را در آثار او دید و علاوه بر آن در آزمون و خطا در فرم و ساختار نیز می‌زند. از این روی رمان سه بخش متفاوت دارد که در نگاه نخست کاملاً بی‌ربط از یکدیگر به‌نظر می‌رسند.

بخشی از رمان در الموت:

«در هشتم ماه اوت ۱۱۶۴ میلادی، مصادف با هفدهم ماه رمضان، حسن دوم، که او را حسن علی ذکره السلاام می‌خواندند، استوار و با علم‌آینه‌ای پلکان سنگی قلعه‌ی الموت پایین آمد تا به خواندن خطبه‌ای که در دل داشت تاریخی نور امیان پیروان خویش رقم‌بزند. نمایندگان که از قهستان و آذربایجان و دامغان و راجان و بدخشان و شام و دیگر قلعه‌های نزاری به الموت آمده بودند امام